پنجاهمین سال شهادت دکتر سید حسین فاطمی، وزیر امور خارجه ی دکتر محمد مصدق

خامه ای، انور

آشنایی من با زنده‏یاد دکتر فاطمی از سال 1321 آغاز گردید.در آن زمان،من از جانب روزنامه‏ی مردم ضدّ فاشیسم و دکتر فاطمی از سوی روزنامه‏ی باختر به مجلس‏ شورای ملّی می‏رفتیم تا خبرهای آنی را تهیه کنیم.این دو روزنامه هر دو طرفدار حفظ آزادی و قانون اساسی مشروطه در درون کشور و پیروزی متّفقین بر آلمان و متّحدانش در جنگ بودند،بنابر این ما در یک صف قرار داشتیم.

در نوروز 1322 برای گردش و تفریح به شمال رفته بودم.برحسب تصادف دکتر فاطمی و زنده‏یاد حمید رهنما هم به آن‏جا آمده بودند،دو روزی در هتل بابلسر در معیت‏ ایشان به خوشی گذشت.اتفاقا کنیپر کمیور تیمور معروف روس هم آن‏جا آمده بود،با او آشنا شدیم و به خواهش ما قطعه‏یی را با پیانو برای ما نواخت.دکتر فاطمی هم‏ خوش‏صحبت و بذله‏گو بود.در مصاحبت او بسیار خوش گذشت.

خاطره‏ی دیگری که از او دارم مربوط به سال 1321 است.در آن زمان قوام السلطنه‏ نخست‏وزیر بود و لایحه‏یی را مربوط به نظام‏وظیفه به مجلس آورده بود،و می‏خواست به‏ فوریّت از مجلس بگذراند،امّا نمایندگان مخالف او با دادن پیشنهادهای اصلاحی‏ نمی‏گذاشتند.ناگهان قوام پشت تریبون رفت و با لحن متکبّرانه‏یی که خاصّ او بود،لایحه‏ را پس گرفت و بلا فاصله مجلس را ترک کرد.چند لحظه سکوت مجلس را فرا گرفت. سپس علی دشتی از جا برخاست و به شدت به این رفتار قوام اعتراض کرد و آن را توهین‏ به مجلس و دیکتاتورمنشی خواند و من جمله گفت:«در هیچ جهنّم دره‏یی با نماینگان ملّت‏ این‏جور رفتار نمی‏کنند.»این سخنان به قدری به موقع بود که خبرنگاران و تماشاچیان‏ به شدت برایش کف زدند.قرار شد از طرف مطبوعات به دشتی تبریک بگوییم.من از جانب‏ روزنامه‏ی چپ‏گرا،دکتر فاطمی به نام روزنامه‏های آزادی‏خواه،و زنده‏یاد جهانگیر تفضلی از سوی روزنامه‏های ناسیونالیست انتخاب شدیم و پس از پایان جلسه‏ی مجلس،پیش دشتی‏ رفتیم و از او تقدیر کردیم.

دکتر فاطمی در زمان حکومت صدر الاشراف و ابستروکسیون معروفی که نمایندگان‏ مجلس علیه او کردند نیز در صف مطبوعات آزادی‏خواه قرار داشت و یکی از شرکت‏کنندگان در«جبهه‏ی آزادی»مطبوعات بود و به دنبال آن بود که به فرانسه رفت و تا سال 1327 به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.اینک به نقل بخشی از خاطراتم که در کتاب«از انشعاب تا کودتا»درباره‏ی آن زنده‏یاد نوشته‏ام،می‏پردازم:

دکتر فاطمی کار مطبوعاتی خود را در اواخر سلطنت رضا شاه در روزنامه‏ی ستاره‏ آغاز کرده و پس از شهریور 1320 در روزنامه‏ی باختر که صاحب امتیاز آن برادرش‏ سیف‏پور فاطمی،نماینده‏ی مجلس چهاردهم‏ بود تا 1324 ادامه داده بود.در این سال پس‏ از آن‏که روزنامه‏ی باختر نیز مانند بسیاری از روزنامه‏های مخالف حکومت صدر الاشراف و ارفع توقیف گردید،دکتر فاطمی برای تکمیل‏ تحصیلات خود به پاریس رفت و از آن‏جا گاهی برای روزنامه‏های ایران مانند مرد امروز یا ستاره گزارش یا مقاله می‏فرستاد.در 1327 به تهران بازگشت و از نو فعالیت‏ مطبوعاتی خود را آغاز کرد.امّا سه سال اقامت‏ در فرانسه خیلی چیزها به او آموخته بود و دیگر یک روزنامه‏نگار ساده نبود و داعیه‏ی‏ سیاست‏مداری داشت.در اثر فعالیت مطبوعاتی‏ سابق از یک‏سو با بسیاری از رجال سیاسی‏ مانند قوام السلطنه،دکتر مصدق و دیگران‏ آشنایی داشت و از سوی دیگر با بعضی از نمایندگان اقلیّت مانند مکی و عده‏ی زیادی از روزنامه‏نگاران دوست بود.دکتر فاطمی با استفاده از این آشنایی‏ها و دوستی‏ها،امتیاز روزنامه‏ی باختر امروز را گرفت و سازمان‏ مناسبی برای انتشار آن فراهم آورد.در آن‏ زمان،روزنامه‏های صبح متعدد،ولی تیراژ آن‏ها عموما کم بود.بر عکس دو روزنامه‏ی پرتیراژ اطلاعات و کیهان هر دو عصر منتشر می‏شدند وبا یک‏دیگر رقابت داشتند.این دو روزنامه‏ی هر دو کم و بیش محافظه‏کار و وابسته به هیأت حاکمه بودند.بسیاری از مردم‏ به اجبار برای آگاهی از اخبار،اطلاعات یا کیهان را می‏خریدند،ولی از روش آن‏ها ناراضی‏ بودند و در صورتیکه یک روزنامه‏ی انتقادی عصر منتشر می‏شد،مسلما آن را ترجیح‏ می‏دادند.دکتر فاطمی این واقعیت را درک و از ان استفاده کرد.عصر روز هشتم مرداد 1328،یعنی دو روز پس از پایان عمر مجلس پانزدهم و معلق ماندن قرارداد الحاقی نفت، نخستین شماره‏ی باختر امروز با سرمقاله‏یی تحت عنوان«یا مرگ یا آزادی»منتشر گردید و از همان آغاز به انتقاد شدید و گزنده از هیأت حاکمه و دستگاه حکومتی پرداخت. در آن زمان،دو موضوع حاد در محیط سیاست وجود داشت:یکی توقیف مطبوعات به‏ استناد قانون«اقبال-زنگنه»یا ماده‏ی پنج حکومت‏نظامی،و دیگری انتخابات دوره‏ی‏ شانزدهم مجلس شورا و دوره‏ی اول مجلس سنا.

توقیف مطبوعات،تمام روزنامه‏هایی را که لحن انتقادی داشتند،تهدید می‏کرد.در همان هنگام چند روزنامه،مانند ستاره،اقدام،صدای وطن و...در حال توقیف بودند و خود باختر امروز نیز پس از انتشار پنج شماره،توقیف و روزنامه‏ی سرگذشت که‏ جلال نائینی،پسرخاله‏ی دکتر فاطمی،امتیاز آن را داشت،به جای آن منتشر شد.دکتر فاطمی با شدت و بی‏باکی خاصی،علیه توقیف جریاد و قانون جدید مطبوعات مبارزه‏ می‏کرد.عنوان سرمقاله‏ی دوم آن به تاریخ نهم مرداد چنین بود:«زورگو،قلدر و جاسوس از روزنامه می‏ترسند.»

باید اضافه کنم که بنابر شهادت صریح دکتر مصدق،ابتکار پیشنهاد ملّی کردن نفت از سوی دکتر فاطمی بوده و سودهایی که در نتیجه‏ی آن هم در جهت رهایی از استعمار و تأمین استقلال ملّی و هم از طریق مالی،عاید ملّت ایران شده است و می‏شود،مدیون این‏ ابتکار اوست.دکتر مصدق در خاطرات و تألمات خود نوشته است:

«ملّی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است که‏ چون کمیسیون نفت مجلس شورای ملّی پس‏ از چند ماه مذاکره و مباحثه نتوانست راجع به‏ استیفای حق ملّت از شرکت نفت انگلیس و ایران تصمیمی اتخاذ کند،دکتر فاطمی با من‏ که رییس کمیسیون بودم،مذاکره نمود و گفت‏ با وضعی که در این مملکت وجود دارد، استیفای حق ملّت کاری‏ست بسیار مشکل، خصوصا که دولت انگلیس مالک اکثریت سهام‏ شرکت است...بنابر این همان‏طور که کشور انگلیس بعضی از صنایع خود را ملّی کرده‏ است،برای آن‏که منافع آن نصیب ملّت شود، ایران هم نفت خود را در سراسر کشور ملّی‏ کند.»این بود که با نظر آن شادروان موافقت‏ نمودم،قرار شد که ایشان پیشنهاد خود را در جلسه‏ی نمایندگان جبهه‏ی ملّی بدهند و ببینیم نظر دیگران چه خواهد بود.در جسله‏یی‏ که در خانه‏ی آقای نریمان تشکیل گردید، دکتر فاطمی پیشنهاد خود را نمود و مورد موافقت حضار در جلسه قرار گرفت و آن را امضا نمودند.»(خاطرات و تألمات،دکتر مصدق، ص 30-229)

دکتر فاطمی،نویسنده‏یی زبردست، سخنرانی برجسته و سیاست‏مداری شجاع و دلیر،و آزادی‏خواهی استوار بود.او در راه‏ هدف‏های ملّی و آرمان آزادی‏خواهانه‏ی خود از بذل جان دریغ نکرد و در وصف شجاعت و از جان‏گذشتگی او همین بس که بگوییم او در بیدادگاه نظامی که پس از کودتای ننگین 28 مرداد برای محکوم کردنش تشکیل دادند،در حالی‏که بیمار و زخمی بود و به روایتی روی‏ برانکارد او را آورده بودند،همان حرف‏هایی را زد که روز 26 مرداد در میدان بهارستان برای‏ مردم گفته بود و یک‏بار دیگر شاه بیگانه‏پرست‏ و حکومت و دربارش را به محاکمه کشید و محکوم کرد.

یادش هماره گرامی باد.